نکته

هادی اسماعیلی

توسعه صنایع پتروشیمی و صادرات غیرنفتی عراق را از وابستگی نفتی عبور می‌دهد

اختلال در تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز، آسیب‌پذیری اقتصاد وابسته به نفت عراق را آشکار کرده است. در شرایطی که مسیرهای جایگزین صادرات نفت نیز ظرفیت محدودی دارند، توسعه صادرات غیرنفتی از طریق گسترش صنایع پایین‌دستی نفت و گاز، به‌ویژه تولید محصولات پتروشیمی و پلیمری مانند پلاستیک و مواد بسته‌بندی، در کنار توسعه کشاورزی و صنایع غذایی، می‌تواند به کاهش وابستگی اقتصادی بغداد و ایجاد منابع درآمدی پایدارتر کمک کند.

اقتصاد عراق بار دیگر با وضعیت جدی روبه‌رو شده است. بحران تنگه هرمز نشان داد کشوری که بخش عمده درآمدهای دولت خود را از صادرات نفت تأمین می‌کند، در برابر اختلال در یک مسیر راهبردی تا چه اندازه آسیب‌پذیر است. براساس گزارش تسنیم، پیش از آغاز بحران، حدود ۹۰ درصد درآمدهای دولت عراق از فروش نفت تأمین می‌شد و اختلال در صادرات، فشار قابل‌توجهی بر منابع مالی این کشور وارد کرد. تازه‌ترین تحولات نیز نشان می‌دهد که یافتن مسیرهای جایگزین به‌تنهایی برای حل این مشکل کافی نیست. گزارش الجزیره در ۲۷ اوت ۲۰۲۶ حاکی از آن بود که عراق برای جبران اختلال صادرات نفت، مسیرهای زمینی ترکیه و سوریه را دنبال می‌کند. با این حال، این مسیرها به دلیل محدودیت ظرفیت و هزینه‌های حمل‌ونقل نتوانسته‌اند تمام افت صادرات را جبران کنند.

مسئله اساسی آن است که عراق همچنان بخش عمده درآمد ارزی خود را به صادرات نفت وابسته کرده و سهم سایر کالاها در صادرات کشور بسیار محدود است. براساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، صادرات غیرنفتی عراق کمتر از نیم درصد کل صادرات این کشور را تشکیل می‌دهد، وضعیتی که نشان‌دهنده ضعف ساختاری بخش‌های تولیدی و صادراتی غیرنفتی است. در چنین شرایطی، توسعه صادرات غیرنفتی نباید صرفاً یک برنامه بلندمدت اقتصادی تلقی شود، بلکه ضرورتی برای افزایش تاب‌آوری اقتصاد عراق است. هرچه سهم محصولات کشاورزی، صنایع غذایی، مصالح ساختمانی، محصولات شیمیایی و فرآورده‌های پتروشیمی در صادرات افزایش یابد، اقتصاد این کشور کمتر به درآمد حاصل از فروش نفت خام وابسته خواهد بود.

یکی از مهم‌ترین راهکارها، توسعه صنایع پایین‌دستی نفت و گاز است. عراق می‌تواند به‌جای صادرات بخش عمده مواد خام و واردات محصولات نهایی، سرمایه‌گذاری در تولید محصولاتی مانند پلی‌اتیلن، پلی‌پروپیلن، انواع پلاستیک، لوله و مواد بسته‌بندی را افزایش دهد. این محصولات علاوه بر تأمین بخشی از نیاز بازار داخلی، ظرفیت صادرات به کشورهای همسایه را نیز دارند. توسعه این صنایع همچنین می‌تواند زمینه اشتغال جوانان، انتقال فناوری و شکل‌گیری بنگاه‌های کوچک و متوسط را فراهم کند. در کنار صنعت پتروشیمی، بخش کشاورزی و صنایع تبدیلی نیز ظرفیت مهمی برای تنوع‌بخشی به صادرات عراق دارند. سرمایه‌گذاری در فرآوری خرما، محصولات غذایی، بسته‌بندی و صنایع مرتبط با محصولات کشاورزی می‌تواند ارزش‌افزوده بیشتری در داخل کشور ایجاد کند. البته دستیابی به این هدف مستلزم بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل، تأمین برق پایدار، تسهیل مقررات گمرکی و حمایت هدفمند از سرمایه‌گذاران داخلی است.

در نهایت، بحران تنگه هرمز باید برای بغداد به فرصتی جهت بازنگری در الگوی اقتصادی کشور تبدیل شود. مسئولان عراقی باید با تعیین برنامه‌ای زمان‌بندی شده برای توسعه صادرات غیرنفتی، تسریع در اجرای پروژه‌های پتروشیمی و صنایع پایین‌دستی، حمایت از تولیدکنندگان و گسترش بازارهای صادراتی منطقه‌ای را در اولویت قرار دهند. تنوع‌بخشی به صادرات نمی‌تواند جای نفت را در کوتاه‌مدت بگیرد، اما می‌تواند به‌تدریج وابستگی بالای اقتصاد عراق به درآمدهای نفتی و مسیرهای محدود صادراتی را کاهش دهد.

خبر

وام مسکن ۱۰ درصد قیمت را پوشش می‌دهد

معاون وزیر راه و شهرسازی درباره تأثیرگذاری وام مسکن در بازار مسکن گفت: در زمان حاضر سهم تسهیلات مسکن از قیمت یک واحد مسکونی قابل استطاعت ۱۰ تا ۱۵ درصد است که رقم بسیار پایینی محسوب می‌شود.

حبیب‌الله طاهرخانی با بیان اینکه این رقم برای ورود خانوارهای متوسط به بازار مسکن کفایت نمی‌کند، افزود: در بسیاری از کشورها تسهیلات مسکن می‌تواند تا ۸۰ درصد قیمت یک واحد مسکونی را پوشش دهد، اما در کشور ما خانوارها نمی‌توانند صرفاً با پس‌انداز وارد بازار مسکن شوند. وی تأکید کرد: بنابراین افزایش تسهیلات و همراهی نظام بانکی و بانک مرکزی برای تقویت قدرت خرید مردم ضروری است. معاون مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی پیش‌تر در این‌رابطه به تسنیم گفته بود: در مذاکرات با بانک مرکزی تأکید می‌کنیم که در کشورهای دیگر، تسهیلات خرید مسکن ۷۰ تا ۸۰ درصد هزینه خرید را پوشش می‌دهد و این تسهیلات می‌تواند به توانمندسازی اقشار متوسط جامعه کمک کند.

وی ادامه داد: در مقابل، این پرسش مطرح می‌شود که اگر قرار باشد ۴ تا ۵ میلیارد تومان وام پرداخت شود، میزان اقساط آن چقدر خواهد بود. بر همین اساس، این نتیجه‌گیری مطرح می‌شود که مردم توانایی پرداخت اقساط چنین تسهیلاتی را ندارند.

طاهرخانی با تأکید بر ضرورت افزایش درآمد خانوارها گفت: باید اقتصاد را به سمتی هدایت کنیم که علاوه بر تحقق رشد اقتصادی، منافع این رشد به‌صورت متوازن توزیع شود، چراکه ممکن است رشد اتفاق بیفتد، اما دهک‌های بالای جامعه سهم بیشتری از منافع آن ببرند.

وی افزود: باید درآمد خانوارها افزایش یابد و اقتصاد خانوار را توانمند کنیم تا بتوانیم طرح‌های مناسبی را به اجرا برسانیم. یکی از پاشنه‌آشیل‌های کشور ضرورت تحقق پیشرفت اقتصادی و افزایش درآمد سرانه خانوارهاست، در این صورت می‌توان طرح‌های مختلف مسکن را اجرایی کرد. معاون مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی راجع به مذاکرات با بانک مرکزی اظهار کرد: مخالفت بانک مرکزی بیشتر بر این استدلال استوار است که در صورت پرداخت تسهیلات، میزان بازپرداخت اقساط بر اساس محاسبات انجام‌شده از توان پرداخت خانوارها خارج خواهد بود. وی ادامه داد: اخیراً در شورای‌عالی مسکن مصوبه‌ای داشتیم که بر اساس آن، بازنگری در ماده ۴ قانون جهش تولید مسکن با هدف تنوع‌بخشی به تسهیلات مسکن در دستور کار قرار گرفته است. طاهرخانی با ابراز اینکه تسهیلات خرید مسکن در کشور مغفول مانده است، گفت: سهم تسهیلات خرید در بازار مسکن پایین است و باید از نظر نظام تأمین مالی، تنوع بیشتری در تسهیلات این بخش ایجاد کنیم، یکی از ابعاد این موضوع، تقویت قدرت خریداران مسکن است.

وی با تصریح به اینکه «استدلال بانک مرکزی را درست می‌دانیم»، ادامه داد: اما باید توجه داشت خانواری که توان پرداخت اقساط تسهیلات را ندارد، بخش قابل‌توجهی از درآمد خود را صرف پرداخت اجاره‌بها می‌کند. معاون مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی با تأکید به ضرورت توجه به وضعیت درآمدی خانوارها اضافه کرد: در کشور درآمدهای اظهار نشده زیادی وجود دارد و با در نظر گرفتن همه این موارد، می‌توان نرخ‌ها را تا حدودی معقول‌تر و منطقی‌تر تعیین کرد تا دسترسی مردم به مسکن بهبود یابد. وی درباره افزایش دوره بازپرداخت تسهیلات مسکن نیز گفت: افزایش دوره بازپرداخت، فشار بر سیستم بانکی را به‌شدت افزایش می‌دهد.

گزارش یک

بهناز قاسمی

آغاز ثبت‌نام طرح خرید اعتباری کالا

طرح خرید اعتباری کالا با هدف تقویت قدرت خرید خانوارهای یارانه‌بگیر و استفاده از ظرفیت شرکت‌های اعتباردهنده طراحی و وارد مرحله اجرایی شد

دومین طرح دولت برای حمایت از معیشت خانوار به مرحله اجرایی رسید. بعد از طرح تورم صفر شهرداری تهران و ثبات قیمت ۱۲قلم کالای اساسی تا پایان امسال، طرح سراسری سازمان هدفمندی یارانه‌ها با هدف تقویت قدرت خرید خانوارهای یارانه‌بگیر و استفاده از ظرفیت شرکت‌های اعتباردهنده راه‌اندازی شد. در چارچوب این طرح، خانوارهای متقاضی می‌توانند تا سقف دو برابر مبلغ یارانه نقدی ماهانه خود اعتبار خرید دریافت کنند. استفاده از این اعتبار اختیاری است و بازپرداخت آن مطابق ضوابط اجرایی، در دو قسط و از محل یارانه خانوار انجام خواهد شد.


رضادهشیری | جوان

دولت در راستای حمایت از سفره‌های مردم، دو طرح تورم صفر و طرح خرید اعتباری کالا را فعال کرد تا حمایت مستقیم از یکی از مهم‌ترین اجزای سبد هزینه خانوار، یعنی مواد غذایی صورت گیرد. خوراکی‌ها از جمله کالاهایی هستند که خانوارها حتی در شرایط کاهش درآمد واقعی نیز نمی‌توانند مصرف آنها را به‌طور کامل متوقف کنند. در نتیجه، افزایش قیمت این اقلام معمولاً خانوارها را به کاهش مصرف، تغییر الگوی تغذیه یا اختصاص سهم بیشتری از درآمد به تأمین نیازهای ضروری وادار می‌کند. طبق گزارش مرکز آمار ایران، ضریب اهمیت خوراکی‌ها در سبد محاسبه تورم حدود ۳۰ درصد است و پس از مسکن رتبه دوم را دارد، به عبارتی یک‌سوم هزینه‌ای که خانوار متحمل می‌شود، هزینه مربوط به بخش خوراکی‌هاست. آخرین آمار از شاخص قیمت کالا و خدمات مصرفی نشان می‌دهد تورم سالانه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، حدود ۱۰۸ درصد و تورم نقطه به نقطه این گروه حدود ۱۲۱ درصد بوده است، در واقع در ۱۲ ماه گذشته به‌طور میانگین بهای خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها دوبرابر شده و قیمت آنها در شهریور امسال نسبت به شهریور سال گذشته حدود ۱۲۱ درصد رشد کرده است. این در حالی است که دشمن جنگ اقتصادی و کاهش تاب‌آوری خانوار را در اولویت قرار داده است و تدابیری مانند طرح تثبیت قیمت کالاهای اساسی و طرح خرید اعتباری کالا می‌توانند به اقتصاد خانوار کمک بسیاری کنند. در کنار این طرح‌ها نیز سازمان تأمین اجتماعی با همکاری بانک رفاه، از بیستم هر ماه اعتباری معادل خالص حقوق مستمری افراد در قالب کیف الکترونیک در اختیار آنان قرار می‌دهد تا پایان همان ماه برای خرید از اعتبار تخصیصی استفاده کنند. شرکت در این طرح اختیاری است و هزینه خریدهای انجام‌شده از حقوق ماه بعد به صورت قسطی کسر می‌شود. اهمیت این طرح‌ها از آن جهت است که حمایت از قیمت کالاهای اساسی و اقتصاد خانوار می‌تواند از کاهش بیشتر قدرت خرید و افت سطح مصرف خانوار جلوگیری کند، البته میزان اثرگذاری آن به سهم کالاهای مشمول در سبد مصرفی مردم، حجم عرضه و میزان دسترسی خانوارها به این کالاها بستگی دارد.

■ تحریک تقاضا به تقویت تولید کمک می‌کند

یکی دیگر از مزیت‌های طرح‌های حمایتی دولت، احیای بخشی از مصرف ازدست‌رفته خانوار است. هنگامی که افزایش قیمت مواد غذایی از رشد درآمد خانوار پیشی می‌گیرد، مردم ناچار می‌شوند خرید خود را کاهش دهند. این کاهش مصرف، به‌ویژه در مورد کالاهای ضروری می‌تواند به افت تقاضای مؤثر در بازار و کاهش فروش تولیدکنندگان منجر شود. در این وضعیت، تثبیت قیمت کالاهای اساسی، خرید اعتباری کالاهای سبد معیشت خانوار و شارژ کیف پول بازنشسته‌ها در روزهای پایانی هر ماه، می‌تواند بخشی از فشار هزینه‌ای بر خانوارها را کاهش دهد و امکان بازگشت بخشی از تقاضای ازدست‌رفته را فراهم کند. این طرح‌های حمایتی برای تولیدکنندگانی که با کاهش فروش و استفاده‌نشدن کامل از ظرفیت تولیدی خود مواجه‌اند نیز اهمیت دارد. اگر واحدهای تولیدی امکان افزایش تولید با استفاده از ظرفیت‌های خالی را داشته باشند، بازگشت تقاضا می‌تواند به افزایش تولید، بهبود فروش و استفاده مؤثرتر از منابع موجود منجر شود. البته تحقق این نتیجه به آن بستگی دارد که تولیدکنندگان با افزایش تقاضا و تولید، قیمت تمام‌شده‌شان را پایین بیاورند.

■ از فراخوان اولیه تا ورود به مرحله اجرا

سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها طی ماه‌های گذشته مقدمات طرح خرید اعتباری کالا را در چند مرحله دنبال کرده است. نخستین چارچوب اجرایی این برنامه در فروردین‌ماه امسال و در قالب سازوکاری برای استفاده از ظرفیت یارانه نقدی با هدف افزایش قدرت خرید خانوارها مطرح شد. در آن مرحله، سرپرستان خانوارهای دهک‌های اول تا سوم امکان استفاده از اعتبار خرید تا سقف دو برابر یارانه ماهانه خود را داشتند و خرید از طریق سکوهای ارائه‌دهنده خدمات و شبکه‌ای شامل بیش از ۱۷ هزار فروشگاه طرف قرارداد پیش‌بینی شده بود. بازپرداخت اعتبار نیز به‌صورت اقساطی تعریف شده بود. در ادامه، سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها در ۳۰ اردیبهشت‌ماه با انتشار فراخوانی برای ایجاد شبکه خرید کالا با اعتبار یارانه نقدی، به دنبال توسعه این سازوکار و جذب سکوهای ارائه‌دهنده خدمات مالی و فروش کالا رفت. در آن مرحله، استفاده از اعتبار برای خرید حضوری و غیرحضوری کالا و خدمات و مشارکت شرکت‌های فعال در این حوزه مورد توجه قرار گرفت. گام بعدی در شهریورماه برداشته شد، زمانی که سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها در راستای اجرای تصویب‌نامه هیئت وزیران، از شرکت‌های واجد شرایط دعوت کرد برای مشارکت در طرح اعلام آمادگی کنند. براساس این فراخوان، شرکت‌های متقاضی باید علاوه بر برخورداری از توان مالی و فنی، شبکه گسترده‌ای از فروشگاه‌های طرف قرارداد و سامانه‌های فروش حضوری و مجازی در اختیار داشته باشند و امکان تأمین اعتبار بدون سود معادل دو برابر یارانه نقدی ماهانه خانوار را فراهم کنند. مهلت اعلام آمادگی شرکت‌ها نیز تا ۲۴ شهریورماه تعیین شده بود. اکنون با اعلام آغاز ثبت‌نام خانوارها و مشخص شدن زمان شروع خرید، به نظر می‌رسد طرح از مرحله جذب و ارزیابی شرکت‌های اعتباردهنده و ایجاد زیرساخت‌ها عبور کرده و به مرحله استفاده عملیاتی خانوارها نزدیک شده است.

■ ثبت‌نام طرح خرید اعتباری کالا آغاز شد

براساس اعلام سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها، متقاضیان از روز (چهارشنبه ۲۰ آبان‌ماه) می‌توانند با مراجعه به بازوی رسمی این سازمان در پیام‌رسان بله، ثبت‌نام کرده و شرکت تأمین‌کننده اعتبار خود را انتخاب کنند. امکان خرید کالا نیز از ۲۵ آبان‌ماه فراهم خواهد شد. حسن نوروزی، مدیرعامل سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها با اعلام این خبر می‌گوید: این طرح با هدف تقویت قدرت خرید خانوارها، حمایت از معیشت مردم، تسهیل دسترسی به کالاهای مورد نیاز و بهره‌گیری از ظرفیت‌های نوین خرید اعتباری طراحی شده است. به گفته وی، در چارچوب این طرح، خانوارهای متقاضی می‌توانند تا سقف دو برابر مبلغ یارانه نقدی ماهانه خود اعتبار خرید دریافت کنند. استفاده از این اعتبار اختیاری است و بازپرداخت آن مطابق ضوابط اجرایی، در دو قسط و از محل یارانه خانوار انجام خواهد شد. نوروزی همچنین از فراهم شدن زیرساخت‌های فنی و اطلاعاتی برای اتصال شرکت‌های اعتباردهنده به سامانه‌های سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها خبر داده و اعلام کرده است که متقاضیان می‌توانند با مراجعه به بازوی رسمی سازمان در پیام‌رسان بله، مراحل ثبت‌نام و انتخاب شرکت تأمین‌کننده اعتبار را انجام دهند.

■ بازپرداخت از محل یارانه

یکی از ویژگی‌های اصلی این طرح امکان استفاده از اعتبار بیشتر از مبلغ یارانه نقدی ماهانه است؛ به این معنا که خانوارها می‌توانند بدون دریافت تسهیلات بانکی متعارف، از اعتبار خریدی تا دو برابر یارانه خود استفاده کنند و مبلغ آن را در دو قسط از محل یارانه نقدی بازپرداخت کنند. با این حال، اختیاری بودن استفاده از اعتبار و ضرورت بازپرداخت آن، دو نکته مهم در ارزیابی میزان استقبال خانوارها از این برنامه است. در واقع، این طرح به معنای افزایش مبلغ یارانه نقدی یا پرداخت کمک بلاعوض جدید نیست، بلکه سازوکاری برای پیش‌خور کردن بخشی از یارانه‌های آتی با هدف تأمین قدرت خرید در زمان حاضر محسوب می‌شود. میزان استقبال خانوارها به عواملی مانند سهولت ثبت‌نام، تنوع شرکت‌های اعتباردهنده، گستردگی فروشگاه‌های طرف قرارداد، فهرست کالاهای قابل خرید و شرایط بازپرداخت بستگی خواهد داشت. هنوز جزئیاتی مانند فهرست نهایی کالاهای مشمول، نام شرکت‌های تأمین‌کننده اعتبار و شبکه فروشگاهی مشخص نشده است.

■ حذف کالابرگ ۱۰ درصد مشمولان

همچنین سخنگوی معاونت اقتصادی و رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بیان اینکه کمتر از ۱۰ درصد افراد جامعه مشمول حذف کالابرگ می‌شوند، می‌گوید: با وجود شرایط ناشی از جنگ، وقفه‌ای در اجرای طرح کالابرگ و تأمین کالا در فروشگاه‌ها پیش نیامده و تمام تلاش دولت این است که نگرانی‌های مردم رفع شود. به گزارش ایرنا، ایمان زنگنه با قدردانی از مردم در همراهی با دولت در اجرای این طرح می‌افزاید: در زمینه حذف کالابرگ برخی دهک‌ها، به هیچ وجه غافلگیری برای مردم رخ نداد و با اطلاع‌رسانی صورت گرفته، ابهاماتی چون حذف ۳۰ تا ۴۰ میلیون نفر تکذیب شد. زنگنه با اشاره به اینکه بازنگری در اجرای کالابرگ براساس رویکرد عدالت‌محور دولت و نگاه ویژه رئیس‌جمهور صورت گرفته است، می‌گوید: در این پروژه اعدادی که درباره افراد غیرمشمول اعلام می‌شود، تقریبی و غیرصحیح است، زیرا براساس آماری که داریم، تعداد افرادی که مشمول افزایش میزان اعتبار کالابرگ به ۱,۵ میلیون تومان شدند حدود ۵۴ درصد افراد جامعه است. سخنگوی معاونت رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌گوید: ۴۲ درصد شهرستان‌ها از اجرای مصوبه افزایش ۵۰ درصدی اعتبار کالابرگ بهره‌مند می‌شوند و ۴۹ درصد هم تغییری در آنها داده نمی‌شود. بنابراین در هر دو حالت که یا سرانه درآمد خانوار را در نظر بگیریم یا شهرستان‌ها را در نظر بگیریم، کمتر از ۱۰ درصد مشمول اصلاح و بازنگری می‌شوند. زنگنه در ادامه با یادآوری اینکه مطالبات فروشگاه‌های همکار در طرح کالابرگ تا چهارم آبان تسویه شده است، تأکید می‌کند: در حال حاضر دوره تسویه به کمتر از ۱۵ روز رسیده است و به محض تأمین منابع، تسویه می‌شود. باقی‌مانده مطالبات شبکه فروشگاهی ۴۰ همت است که سعی می‌کنیم به سرعت آن را تسویه کنیم. سخنگوی معاونت رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با یادآوری اینکه بیش از نیمی از جامعه از طرح افزایش رقم کالابرگ منتفع شده‌اند، می‌گوید: با توجه به محدودیت منابع دولت و تهدید و تحریم‌هایی که کشور با آن روبه‌روست، دولت سعی کرده با بضاعت موجود دغدغه‌های رئیس‌جمهور در حوزه عدالت‌محوری را تأمین کند. به گفته وی، استان سیستان و بلوچستان نزدیک به ۸۰ درصد، کهگیلویه و بویراحمد ۶۷ درصد، لرستان ۶۴ درصد، خراسان شمالی ۶۴ درصد و کردستان ۶۴ درصد مشمول افزایش رقم کالابرگ شده‌اند، یعنی خانوارها در ۱۸ استان از این طرح دولت منتفع شده‌اند. وی درباره علت حذف گروهی از خانوارها از طرح کالابرگ و به جای آن افزایش رقم اقشار دیگر می‌افزاید: شرایط سخت اقتصادی فشار تورمی را بر همه جامعه وارد می‌کند، اما افرادی هستند که سفره‌هایشان به دلیل تورم کوچک‌تر شده و تاب‌آوری آنها در برابر این شرایط سخت‌تر است. شخص رئیس‌جمهور نیز بر این نکته تأکید داشتند به اقشاری که نیاز اورژانسی دارند، کمک کنیم. نه تنها افراد ساکن در استان‌های کم‌برخوردار بیشتر از طرح دولت منتفع شده‌اند، بلکه در کلیت هم بیش از نیمی از جامعه در سراسر کشور از این طرح برخوردار شدند.

تحلیل

هادی اسماعیلی

شلاق «شوک انرژی» قطر را صلح‌دوست کرد!

قطر در حالی برای میانجیگری میان ایران و امریکا تلاش می‌کند که خود یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌دیدگان اقتصادی جنگ اخیر بوده است. کاهش ۹۶ درصدی صادرات گاز مایع این کشور در شش ماه نخست جنگ و از دست رفتن حدود ۲۴میلیارد دلار درآمد صادراتی، تنها بخشی از خسارت‌های دوحه است. آسیب به تأسیسات راهبردی راس‌لفان نیز بخشی از ظرفیت صادراتی قطر را برای چند سال از مدار خارج کرده است. با این حال، دوحه همچنان تلاش می‌کند مسیر مذاکرات تهران و واشینگتن را باز نگه دارد، اما چرا میانجیگری برای کشوری که هم میزبان نیروهای نظامی امریکا در منطقه است و هم از پیامدهای جنگ آسیب دیده، تا این اندازه اهمیت دارد؟

برای پاسخ به این پرسش باید به جایگاه انرژی در اقتصاد قطر و وابستگی راهبردی این کشور به تنگه هرمز توجه کرد. قطر طی دهه‌های گذشته با سرمایه‌گذاری گسترده در صنعت گاز طبیعی مایع‌شده (LNG)، به یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان گاز جهان تبدیل شده است. این کشور برای رساندن گاز خود به بازارهای دوردست آسیا و اروپا، زیرساخت‌های عظیمی در حوزه مایع‌سازی، ذخیره‌سازی و حمل‌ونقل دریایی ایجاد کرده است. با این حال، همین الگوی توسعه اقتصادی، آسیب‌پذیری مهمی برای دوحه به وجود آورده است؛ وابستگی تقریباً کامل صادرات LNG به عبور از تنگه هرمز. از این منظر، ادامه تنش در منطقه برای قطر صرفاً یک مسئله سیاسی یا امنیتی نیست، بلکه مستقیماً با مهم‌ترین منبع درآمد و آینده اقتصادی این کشور ارتباط دارد.

■ وابستگی اقتصاد قطر به تنگه هرمز

براساس داده‌های آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، در سال ۲۰۲۵ بیش از ۱۱۲ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی مایع از تنگه هرمز عبور کرده که نزدیک به یک‌پنجم تجارت جهانی LNG را تشکیل می‌دهد. حدود ۹۳ درصد صادرات LNG قطر نیز از این مسیر انجام می‌شود. آژانس بین‌المللی انرژی تأکید می‌کند که برای انتقال این حجم از گاز قطر به بازارهای جهانی، مسیر جایگزین عملیاتی وجود ندارد. خط لوله دلفین که قطر را به امارات و عمان متصل می‌کند، بخشی از نیازهای منطقه‌ای را تأمین می‌کند، اما ظرفیت مازاد آن برای جایگزینی صادرات دریایی قطر کافی نیست. این وضعیت با شرایط عربستان سعودی و امارات تفاوت دارد. این کشورها برای انتقال بخشی از نفت خود، علاوه بر مسیر دریایی، از خطوط لوله‌ای استفاده می‌کنند که امکان دور زدن تنگه هرمز را فراهم می‌کند، اما قطر برای صادرات عمده گاز خود چنین امکانی ندارد. به همین دلیل، اختلال در تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز می‌تواند تقریباً تمام زنجیره صادرات گاز این کشور را تحت تأثیر قرار دهد.

البته انتخاب مدل صادرات LNG نیز بخشی از راهبرد اقتصادی قطر بوده است. این شیوه به دوحه امکان می‌دهد بدون وابستگی به شبکه خط لوله یک کشور واسطه، گاز خود را به بازارهای مختلف جهان صادر کند و از انعطاف بیشتری در انتخاب مشتریان برخوردار باشد. با این حال، جنگ نشان داد که انعطاف‌پذیری در بازار مقصد، لزوماً به معنای برخورداری از امنیت در مسیر انتقال نیست.

■ راس‌لفان؛ ضربه به قلب صنعت گاز قطر

یکی از مهم‌ترین خسارت‌های جنگ به اقتصاد قطر، آسیب به تأسیسات صنعتی راس‌لفان است؛ مجموعه‌ای که قلب صنعت LNG این کشور و از بزرگ‌ترین مراکز فرآوری گاز در جهان به‌شمار می‌رود. در پی حملات موشکی ایران در ۱۸ و ۱۹ مارس ۲۰۲۶، دو واحد از ۱۴ واحد تولید LNG قطر و یکی از دو تأسیسات تبدیل گاز به مایعات (GTL) آسیب دیدند. سعد الکعبی، وزیر مشاور در امور انرژی و مدیرعامل شرکت دولتی قطر انرژی، اعلام کرد که این خسارت‌ها حدود ۱۷ درصد ظرفیت صادرات LNG کشور را از مدار خارج کرده است. به گفته او، ظرفیت سالانه ۱۲,۸ میلیون تن گاز تحت تأثیر قرار گرفته و تعمیر تأسیسات آسیب‌دیده ممکن است سه تا پنج سال زمان ببرد. الکعبی همچنین درآمد سالانه ازدست‌رفته ناشی از این آسیب‌ها را حدود ۲۰ میلیارد دلار برآورد کرد. اهمیت این خسارت در آن است که حتی با پایان جنگ و بازگشایی تنگه هرمز نیز تمام مشکلات قطر برطرف نخواهد شد. اختلال در مسیر صادرات ممکن است با برقراری امنیت دریایی پایان یابد، اما بازسازی تأسیسات آسیب‌دیده به زمان و سرمایه‌گذاری قابل توجهی نیاز دارد. به بیان دیگر، جنگ نه‌تنها درآمد جاری قطر، بلکه بخشی از توان صادراتی این کشور در سال‌های آینده را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

■ ۲۴ میلیارد دلار درآمد ازدست‌رفته در ۶ ماه

گزارش ۲۶ اوت ۲۰۲۶ رویترز، تصویر روشن‌تری از ابعاد خسارت اقتصادی قطر ارائه می‌دهد. بر اساس این گزارش، صادرات LNG این کشور در شش ماه نخست جنگ حدود ۹۶ درصد کاهش یافته و تعداد محموله‌های صادراتی از ۵۰۹ محموله در دوره مشابه سال قبل به تنها ۱۸ محموله رسیده است. برآورد رویترز نشان می‌دهد که قطر در این مدت حدود ۲۴ میلیارد دلار درآمد فروش گاز را از دست داده است؛ رقمی معادل حدود پنج ماه درآمد این کشور براساس آمار سال ۲۰۲۵. در همین دوره، برخی کشورهای دیگر منطقه توانستند بخشی از صادرات نفت خود را از مسیرهای جایگزین یا با استفاده از روش‌های غیرمعمول ادامه دهند، اما وابستگی قطر به حمل دریایی LNG، امکان چنین انعطافی را از این کشور گرفت. رویترز همچنین از هدف قرار گرفتن دو نفتکش قطری خبر داد که نشان می‌دهد ناامنی دریایی تنها به توقف صادرات در بنادر محدود نمانده و کشتی‌های حامل انرژی را نیز در معرض خطر قرار داده است. این آمار نشان می‌دهد که قطر از جمله کشورهایی بوده که هزینه اقتصادی جنگ را به شکل مستقیم و گسترده تحمل کرده است. برای اقتصادی که بخش مهمی از درآمد و جایگاه بین‌المللی خود را از صادرات گاز به دست می‌آورد، چنین اختلالی نمی‌تواند صرفاً یک زیان موقت تلقی شود.

■ العدید؛ هزینه میزبانی از امریکا

در کنار خسارت‌های اقتصادی، قطر از نظر امنیتی نیز در معرض پیامدهای جنگ قرار گرفت. این کشور میزبان پایگاه هوایی العدید است؛ یکی از مهم‌ترین مراکز نظامی امریکا در منطقه که مقر پیشروی فرماندهی مرکزی این کشور (سنتکام) در آن قرار دارد. در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، همزمان با آغاز حملات امریکا و اسرائیل به ایران، قطر هدف حملات موشکی و پهپادی ایران قرار گرفت. بنابراین میزبانی از زیرساخت‌های نظامی امریکا برای قطر هزینه امنیتی مستقیمی به همراه داشته است. البته دوحه مشارکت در عملیات نظامی علیه ایران را رد کرده و در ژوئیه ۲۰۲۶ نیز در واکنش به گزارش‌هایی درباره همکاری نظامی با اسرائیل، رسماً اعلام کرد که در هیچ اقدام نظامی علیه کشورهای همسایه مشارکت نداشته و نخواهد داشت. با این حال، از نگاه ایران، استقرار نیروها و تجهیزات نظامی امریکا در خاک کشورهای منطقه، مسئله‌ای جدا از سیاست رسمی دولت‌های میزبان نیست و می‌تواند آنها را در معرض پیامدهای درگیری قرار دهد.

■ میانجیگری؛ ضرورتی فراتر از دیپلماسی

با توجه به این شرایط، تلاش قطر برای میانجیگری را نمی‌توان صرفاً به تمایل این کشور برای ایفای نقش دیپلماتیک محدود کرد. دوحه در همسایگی ایران قرار دارد و در میدان گازی مشترک پارس جنوبی ـ گنبد شمالی، منافع اقتصادی مهمی با تهران دارد. از سوی دیگر، این کشور شریک امنیتی امریکاست و میزبان یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های نظامی واشینگتن در منطقه محسوب می‌شود. حفظ همزمان این دو رابطه، نیازمند سیاست خارجی متوازنی است که مانع تبدیل‌شدن قطر به یکی از طرف‌های مستقیم منازعه شود. میانجیگری به دوحه امکان می‌دهد کانال ارتباطی خود را با هر دو طرف حفظ کند و از تبدیل‌شدن اختلافات به یک تقابل گسترده‌تر جلوگیری کند. این نقش همچنین جایگاه سیاسی قطر را فراتر از ظرفیت جغرافیایی و جمعیتی آن افزایش می‌دهد. کشوری که بتواند در شرایط بحرانی پیام‌ها را میان تهران و واشینگتن منتقل کند و زمینه بررسی پیشنهادهای دو طرف را فراهم آورد، در معادلات منطقه‌ای به بازیگری اثرگذار تبدیل می‌شود.

تحولات روزهای اخیر نیز نشان می‌دهد که قطر قصد ندارد این نقش را کنار بگذارد. رویترز در اول نوامبر ۲۰۲۶ گزارش داد که هیئت مذاکره‌کننده ایران برای سومین روز متوالی در دوحه با میانجی‌های قطری گفت‌وگو کرده است. پیش از آن نیز هیئتی از قطر برای رایزنی با مقام‌های ایرانی به تهران سفر کرده بود. وزارت خارجه قطر در سوم نوامبر اعلام کرد که تلاش‌ها برای نزدیک‌کردن دیدگاه‌های تهران و واشینگتن ادامه دارد و دو طرف در حال بررسی پیشنهادهای ارائه شده از سوی میانجی‌ها هستند. نخست‌وزیر قطر نیز در هفتم نوامبر از ادامه تلاش‌ها برای جلوگیری از تشدید بحران خبر داد و نسبت به امکان دستیابی به توافق ابراز امیدواری کرد. نکته مهم این است که میانجیگری قطر به معنای بی‌طرفی کامل این کشور در تمام موضوعات مورد اختلاف نیست. دوحه در کنار تلاش برای پیشبرد مذاکرات، حمله به کشتی‌های خود و تهدید آزادی کشتیرانی در خلیج فارس و تنگه هرمز را محکوم کرده است. این موضع نشان می‌دهد که قطر همزمان دو هدف را دنبال می‌کند؛ جلوگیری از گسترش جنگ و دفاع از منافع ملی خود.

■ جمع‌بندی

قطر امروز با تناقضی جدی در سیاست خارجی و الگوی توسعه اقتصادی خود روبه‌روست. از یک سو، برای تأمین امنیت خود را به همکاری نظامی با امریکا وابسته کرده است و از سوی دیگر، همین وابستگی و تشدید تقابل منطقه‌ای، امنیت اقتصادی و زیرساخت‌های حیاتی آن را در معرض خطر قرار داده است. کاهش ۹۶ درصدی صادرات گاز، از دست رفتن ۲۴ میلیارد دلار درآمد در شش ماه و آسیب به تأسیساتی که بازسازی آنها ممکن است تا پنج سال طول بکشد، نشان می‌دهد هزینه ادامه جنگ برای دوحه بسیار سنگین بوده است. در چنین شرایطی، میانجیگری برای قطر، نه صرفاً یک نمایش دیپلماتیک یا اقدام از سر خیرخواهی، بلکه ضرورتی برای حفظ امنیت، احیای اقتصاد و تثبیت جایگاه منطقه‌ای است. دوحه می‌داند که بازگشایی تنگه هرمز به‌تنهایی برای بازگشت به شرایط پیش از جنگ کافی نیست و بدون کاهش تنش با ایران، امنیت بلندمدت صادرات انرژی این کشور نیز تضمین نخواهد شد. از این‌رو، تلاش برای نزدیک‌کردن تهران و واشینگتن را باید بخشی از راهبرد قطر برای جلوگیری از تکرار بحرانی دانست که این‌بار نه‌فقط امنیت منطقه، بلکه پایه‌های اصلی اقتصاد خود این کشور را هدف قرار داده است.